

شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی

پژوهش‌های آموزش و یادگیری

(دانشور و هشاور)

نویسندگان: مرجان کیان^{۱*} و محمود مهرمحمدی^۲

۱. استادیار گروه مطالعات برنامه درسی دانشگاه خوارزمی

۲. استاد گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

m.kian44@yahoo.com

* نویسنده مسئول: مرجان کیان

چکیده

این پژوهش به شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی مبتنی بر الگوی مطلوب پرداخته‌است تا بتواند آنچه را مورد غفلت، واقع شده‌است، تبیین کند. روش پژوهش، ترکیبی (کیفی و کمی) است به گونه‌ای که در بُعد کمی، از شیوه تحلیل اسنادی، بررسی تجارب ملی و بین‌المللی، سندکاوی و در جهت تبیین مؤلفه‌های برنامه درسی مغفول هنر، از رویکرد «تحلیلی-مقایسه‌ای» استفاده شده‌است. جامعه پژوهش، شامل کلیه اسناد علمی معتبر و نیز متخصصان برنامه درسی و آموزش هنر در کشور بود. نمونه پژوهش در بخش تحلیل اسنادی شامل اسناد و منابع معتبر ملی و بین‌المللی در دسترس، راهنمای برنامه درسی هنر رسمی دوره ابتدایی و در بخش اعتباربخشی نیز حسب الگوی مطلوب، به شیوه کیفی و از طریق نمونه‌گیری هدفمند ۱۵ نفر از صاحب‌نظران برنامه درسی و آموزش هنر به‌عنوان نمونه انتخاب و با آنان مصاحبه ساختارمند انجام شد. مقایسه‌ای تحلیلی بین الگوی مطلوب برنامه درسی هنر و برنامه درسی هنر فعلی صورت‌گرفت تا برنامه درسی مغفول هنر، مشخص شود. یافته‌ها نشان داد، الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دارای اصول و اهداف تربیت هنری مبتنی بر اصول حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی ایران است. ارکان برنامه درسی مطلوب هنر متشکل از سه بُعد: تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی و رویکرد مطلوب نیز رویکرد «تربیت هنری دیسپلین محور» است؛ در سطح خرد الگوی مطلوب نیز، عناصر برنامه درسی تعیین شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که برخی از مؤلفه‌های بُعد تجویزی و کل بُعد نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی، از جمله زمان اختصاص یافته به آموزش هنر در سطح میانی جزو برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی است؛ همچنین برخی از حوزه‌های هنری مانند خوشنویسی، موسیقی و حرکات موزون در برنامه درسی فعلی هنر مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. از طریق تبیین ابعاد مورد غفلت واقع شده در برنامه درسی هنر، می‌توان توجه دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی را به تأمل درباره آنچه از دستور کار «برنامه درسی آشکار» حذف شده‌است، جلب کرد.

• دریافت مقاله: ۹۱/۰۱/۲۵

• پذیرش مقاله: ۹۲/۰۷/۰۱

*Scientific-Research
Journal of Shahed
University*

*Twentieth Year, No.3
Autumn & Winter
2013-14*

**Training & Learning
Researches**

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال بیستم - دوره جدید

شماره ۳

پائیز و زمستان ۱۳۹۲

کلید واژه‌ها: برنامه درسی مغفول، برنامه درسی هنر، دوره ابتدایی، الگوی مطلوب.

مقدمه

که از سه نوع برنامه درسی که مدارس آموزش می‌دهند، سخن به میان می‌آید [۳]؛ به عبارت دیگر، برنامه درسی به مجموعه‌ای از تجارب و یادگیری‌های از پیش تعیین شده یا برنامه درسی رسمی، محدود نیست [۴].

اهمیت برنامه درسی مغفول بدان دلیل است که توجه دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی را به تأمل درباره آنچه از دستور کار برنامه درسی آشکار حذف شده، جلب می‌کند. در این راستا، پویایی برنامه درسی حفظ و برنامه درسی از گرفتار آمدن به دام سنت و عادت رهانیده می‌شود؛ از طرف دیگر، به مدد شناسایی برنامه درسی مغفول، تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی جدید یا تحلیل برنامه درسی کنونی، میسر می‌شود [۳]. تربیت هنری به جای تأکید بر جنبه‌های کاربردی باید درصدد برقراری ارتباط میان پدیده‌ها و رویدادها از طریق «شکل و قالب» باشد. با توجه به مقتضیات زندگی امروزی، آموزش و پرورش، موظف است، حواس و حساسیت‌های افراد را پروراند. دانش‌آموزان باید بیاموزند که چگونه ببینند، بشنوند، با یکدیگر تعامل داشته‌باشند و به سوی جلو حرکت کنند. آنها باید درک کنند که چگونه محیط اطراف می‌تواند به احساس و عمل آنها شکل دهد [۵]؛ از طرف دیگر، هنرها به دانش‌آموزان می‌آموزند که مسائل می‌توانند بیش از یک راه حل داشته‌باشند و پرسش‌ها نیز می‌توانند بیش از یک پاسخ را به همراه داشته‌باشند. از طریق هنرها، این مفهوم دریافت می‌شود که کارهای خوب با شیوه‌هایی مختلف انجام پذیرند [۶].

در راستای تبیین برنامه درسی مغفول هنر، در بررسی اینکه «چرا ارزش و اعتبار هنرها به حاشیه رفته‌است؟»، می‌توان اشاره کرد که هنرها از دیرباز، همواره به عنوان مسائل مربوط به پالایش هیجانی در نظر گرفته می‌شده‌اند تا مسائل مربوط به ذهن؛ در چنین نظام‌هایی، هنر، عبارت از عملی است که فرد با دست خود انجام می‌دهد نه با سر خود. هنرها با عواطف سروکار دارند و چون اولویت آموزش در مدارس با پرورش قوای عقلانی است تا قوای عاطفی، بنابراین در این حالت است که هنرها

یکی از کارکردهای آموزش و پرورش، تلاش برای رشد و شکوفایی استعدادهای هنری و زیبایی شناختی دانش‌آموزان است. چراکه هنر در پایدارترین و اصیل‌ترین جلوه‌های خود به آرمان‌ها، شناخت‌ها، مهارت‌ها، احساسات و ارزش‌های ژرف و بنیادی نظردارد که انسان با تکیه بر آنها به تحول واقعی و اصیل خود که روی آوردن آزادانه و آگاهانه به ارزش‌هاست، دست می‌یابد [۱]. به اعتقاد آیزنر^۱، مدارس به‌طور هم‌زمان سه نوع برنامه درسی را آموزش می‌دهند شامل «برنامه درسی آشکار»^۲ (رسمی)، برنامه درسی پنهان^۳ (ضمنی) و برنامه درسی مغفول^۴؛ «برنامه درسی آشکار»، تمام آن چیزی است که طراحی شده، تدریس شده و نمره داده می‌شود؛ «برنامه درسی پنهان»، آن دسته از آموخته‌های دانش‌آموزان است که در ضمن یادگیری‌های صریح و آشکار اتفاق می‌افتد و بر شکل‌گیری تجارب، نگرش‌ها و ارزش‌ها بر یادگیرندگان تأثیری گذارد؛ «برنامه درسی مغفول»، آن بخشی از برنامه درسی است که مورد غفلت قرار گرفته و حذف شده‌است و دانش‌آموزان، هرگز فرصت نخواهند کرد که آنها را بیاموزند؛ این برنامه، شامل ارزش‌ها و دانش‌هایی است که مدارس به آموزش آنها اقدام نمی‌کنند، هرچند که ممکن است اهمیت آنها بیشتر از مواردی باشد که مدرسه آنها را آموزش می‌دهد. از نظر آیزنر، برنامه درسی مغفول، برنامه‌ای است که بی دلیل، ناآگاهانه و به‌طور غیرمعمول حذف شده‌است و بر اثر شتاب‌زدگی، سنت، عادت و ... به وجود آمده‌است [۲]. درحالی‌که تأثیر برنامه‌های درسی آشکار و پنهان از نوع ایجابی است، تأثیر برنامه درسی مغفول از نوع سلبی است. شکل‌گیری حدود و ثغور حوزه تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان به‌گونه‌ای مستقیم و مشخص، تحت تأثیر آثار سلبی و ایجابی بوده، بدین سبب است

1 . Eisner
2 . Explicit Curriculum
3 . Implicit Curriculum
4 . Null Currciculum

در برنامه درسی می‌داند؛ گویی که آموزش هنر باید به بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس تبدیل شود و به هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه (خواندن، نوشتن و حساب کردن) که رسمی شناخته شده‌اند، به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه (4thR) در برنامه درسی تأکید شود و بی‌مهری و انزوای تاریخی و سنتی از آن زدوده شود [۸].

به همین ترتیب، توجه به پژوهش‌های انجام شده در زمینه وضعیت برنامه درسی هنر یا در نظر گرفتن برنامه درسی مغفول هنر می‌تواند بر اهمیت این مطالعه بیفزاید؛ در همین راستا می‌توان اشاره کرد که در پژوهشی با عنوان «تحلیل و نقدی بر برنامه‌های درسی هنر دوره ابتدایی در گذشته و وضع موجود» با رویکردی توصیفی و مقایسه‌ای به بررسی برنامه درسی هنر پرداخته شده است [۹]. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهند که برنامه درسی جدید ایران، دارای رویکرد تربیت هنری شده اما همچنان، ناهمخوانی‌هایی میان برنامه‌های درسی هنر طراحی شده، اجرا شده و نتایج حاصل وجود دارند؛ از جمله به حوزه مهارت‌ها توجه شده است اما کمتر به مبانی هنرهای تجسمی پرداخته شده است؛ مهارت خوشنویسی حذف شده است و امکان تلفیق آن با هنرهای دیگر نادیده گرفته شده است؛ همچنین به مسائلی نظیر «یادگیری متناسب با هر درس، زمان در نظر گرفته شده، تدارک فرصت‌های یادگیری، غنی کردن منابع یادگیری، آموزش ضمن خدمت معلمان، وجود محیط معنادار و واقعی» توجهی نشده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «نیازهای آموزشی معلمان و دانش‌آموزان در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی»، به بررسی نیازهای معلمان و دانش‌آموزان در زمینه آموزش هنر پرداخته شده است و با بررسی نظریات معلمان و مشاهده کلاس‌های درس هنر دوره ابتدایی، نتایج کاستی‌ها و موارد مغفول برنامه درسی هنر در سطح اجرا شده، تعیین شده‌اند که از جمله این موارد، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت بیشتر و تکمیلی‌تر، فراهم کردن امکان دسترسی به کتاب‌های آموزشی و درسی هنر، تدارک جایگاهی معقول و مناسب برای آثار

برنامه‌هایی تزئینی قلمداد می‌شوند که به‌عنوان راهی برای آسودگی پس از کار جدی مدرسه، مفیدند؛ عاملی دیگر که به موقعیت تزئینی هنر در نظام آموزشی، بیشتر دامن می‌زند، این است که هنرها به‌طور رسمی و ملموس سنجش نمی‌شوند. گاهی عملکرد خوب دانش‌آموزان در برنامه درسی هنر برای ورود به مراحل بالاتر تحصیلی و علمی، عاملی تأثیرگذار محسوب نمی‌شود و این امر خود به خود از ارزش هنرها می‌کاهد و آن را به جایگاهی فرعی در نظام آموزشی می‌کشانند؛ بنابراین میان آنچه به نظر افراد به رشد آموزش عمومی کمک می‌کند و آنچه برای موفقیت در مدرسه، مهم تلقی می‌کنند، جدایی وجود دارد و تازمانی که این‌گونه باشد، در نظر گرفتن هنرها به‌عنوان بخش هسته‌ای در آموزش عمومی با دشواری همراه می‌شود؛ همچنین هنرها به آن دلیل در حاشیه تعلیم و تربیت قرار داشته‌اند که به صورت ارزشمند در کسب مشاغل به آنها نگریسته نشده است [۷]. برای تغییر جایگاه هنرها از حاشیه به هسته اصلی تعلیم و تربیت باید تلاش‌هایی بسیار انجام شوند تا بتوان از مزایا و پیامدهای تربیت هنری در نظام‌های آموزشی بهره‌مند شد به گونه‌ای که تغییر جایگاه برنامه درسی هنر از حاشیه به متن و توجه به آن به‌عنوان هسته‌ای اصلی در نظام آموزشی، می‌تواند به نتایجی منجر شود که دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه امروز آماده کند؛ بدین ترتیب در نظر گرفتن و تدوین برنامه درسی هنر که مناسب با ویژگی‌های زندگی امروز دانش‌آموزان باشد و آنها را در تجربیات یادگیری یاری‌رساند، اهمیتی بسزا دارد؛ از این رو، شناسایی و تبیین برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی ایران، می‌تواند در زمینه تبدیل جایگاه شایسته برنامه درسی هنر، یاریگر باشد و آنچه را از دستور کار نظام آموزشی برحسب گرفتار آمدن به دام سنت و عادت، حذف شده است، بازگرداند و به برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، جانی تازه بخشد.

در زمینه توجه به هنر در برنامه درسی مدارس، آیزنر، یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک جایگاهی معقول و مناسب برای هنر

رشد خلاقیت و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان اعتقاد دارند اما شیوه‌های تدریس هنر به ویژه نقاشی در دوره ابتدایی، بیشتر به صورت سلیقه‌ای و الگودادن برای نقاشی کشیدن و گاهی، موضوعی و نقاشی آزاد است؛ از طرف دیگر، معلمان، مهم‌ترین موانع آموزش درس هنر را نداشتن آموزش‌های کافی برای خود، فضای آموزشی مناسب و منابع یادگیری متنوع برای آموزش هنر دانسته‌اند [۱۳]؛ همچنین در مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های به‌کارگیری تربیت هنری در دوره ابتدایی: آنچه معلمان شرح می‌دهند»، خلاصه‌ای از یافته‌های یک پژوهش کیفی ارائه شده است که در آن به شناسایی تجارب ۱۹ نفر از معلمان مدارس ابتدایی استرالیا در زمینه آموزش در عرصه تربیت هنری پرداخته شده؛ این مطالعه نشان داد که تجربه معلمان می‌تواند شیوه تدریس آنها را در زمینه هنرهای خلاق در برنامه درسی کلاس‌های دوره ابتدایی شکل دهد. همه معلمان معتقد بودند که محدودیت زمانی اختصاص یافته به این حوزه مهم یادگیری در مدارس ابتدایی و متوسطه، آنها را چندان در راستای این امر آماده نمی‌کند. آنها نگران دانش و مهارت لازم برای تدریس هنرهای خلاق بودند؛ در مجموع، معلمان در آموزش هنرهای تجسمی، بیشتر به خود اطمینان داشتند و در آموزش موسیقی، کمتر نسبت به خود اعتماد داشتند [۱۴].

در مطالعه‌ای نظری با عنوان «تربیت هنری در ایران، بازشناسی حوزه مغفول» به بررسی و نقد وضعیت موجود آموزش هنر دوره ابتدایی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن پرداخته شد. یافته‌ها نشان می‌دهند طی سه دهه ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ در ایران، زمان اختصاص یافته به هنر در دوره ابتدایی ایران ۷۰ درصد کاهش یافته است، در حالی که مطالعات نشان می‌دهند هنر باید بخش اصلی هر نظام آموزشی باشد؛ همچنین زمان، منابع کافی و محتوای مناسب برای پشتیبانی آموزش هنر در ایران وجود ندارد؛ این مطالعه نشان می‌دهد برنامه درسی هنر در نظام آموزشی ایران از دو ناهنجاری شدید رنج می‌برد: اول تلقی هنر به عنوان موضوع درسی مجزا

دانش‌آموزان قابل اشاره‌اند که به عنوان ضرورت‌های به دست آمده در این مطالعه محسوب می‌شوند [۱۰].

پژوهشی با عنوان «گذری بر مفاهیم و پایه‌های نظری و عملی برنامه درسی مغفول در آموزش پزشکی» به تحلیل و نقد برنامه درسی آموزش پزشکی در حیطه‌هایی پرداخته که در تدریس از آنها غفلت شده است و نشان داده که برنامه درسی مغفول با توجه به تقسیم‌بندی‌های مختلف که دارد، در برنامه صریح دیده نمی‌شود و ایجاد مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی به عنوان مؤلفه‌ای مغفول، مطرح می‌شود [۱۱]؛ همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان «برنامه درسی مغفول تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی»، پژوهشگران به بررسی ویژگی‌های مغفول در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی می‌پردازند و پیشنهاد می‌کنند که در مبانی برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی با توجه به تغییرهای پدید آمده در مبانی «روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و دانشی»، بازنگری به عمل آید و بر پایه آن، اصلاح برنامه درسی انجام گیرد. در مطالعه‌ای با عنوان «گزارش ارزشیابی مرحله دوم اجرای آزمایشی برنامه درسی هنر پایه دوم ابتدایی سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴» تلاش شده تا به شناسایی نقاط قوت و ضعف مؤلفه‌های برنامه درسی اجرا شده هنر دوره ابتدایی پرداخته شود؛ یافته‌ها نشان می‌دهند که روش‌های یاددهی - یادگیری در این برنامه به تجدید نظر اساسی نیاز دارند؛ همچنین در زمینه روش‌های ارزشیابی نشان داده شد که حجم کاری مورد انتظار از آموزگاران در حوزه ارزشیابی با توجه به زمان در اختیار، سنگین و زیاد است [۱۲]. شواهد از آن حکایت دارند که شیوه ارزشیابی پیش‌بینی شده در برنامه درسی اجرا شده، قابلیت اجرایی اندکی دارد. در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه و نقش درس هنر در دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان ابتدایی شهر تهران» به بررسی نظریات ۹۲ نفر از معلمان منطقه شش آموزش و پرورش شهر تهران پرداخته شده است که نتایج نشان می‌دهند، معلمان به نقش هنر در توانمندسازی و

حاشیه رانده می‌شود؛ از این رو در این مطالعه تلاش شده است به شناسایی ابعاد و سطوح برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی ایران پرداخته شود تا دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان درسی به بازاندیشی و برقراری گفتگوی مستمر میان حوزه عمل هست‌ها و نیست‌ها دعوت شوند که این امر، خود به غفلت‌زدایی از برنامه درسی هنر دوره ابتدایی منجر خواهد شد؛ از سوی دیگر از طریق این شناسایی می‌توان به تحمیل محرومیت‌های تربیتی پی‌برد که بر اثر حذف تجارب یادگیری مطلوب برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایجاد شده‌اند و آثاری جبران‌ناپذیر را به همراه دارند که این خود، وجه سلبی برنامه درسی مغفول را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، توجه به برنامه درسی جدید هنر دوره ابتدایی ایران از سال ۱۳۸۶ به صورت اجرای سراسری درآمده است. این برنامه دارای ابعاد، مواد، موضوع‌ها و فرایندهای ذهنی است که براساس گزینش برنامه‌ریزان درسی از دستور کار نظام آموزشی حذف شده است و در نتیجه دانش‌آموزان از آموختن برخی تجربه‌های مرتبط با برنامه درسی هنر جدید محروم مانده‌اند، از این رو لزوم توجه و شناسایی برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی، میرم و واضح است؛ بدین ترتیب براساس شناسایی برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی می‌توان ادعا کرد که پویایی برنامه درسی حفظ می‌شود و برنامه درسی از گرفتار آمدن به دام سنت و عادت‌های می‌یابد؛ بدین ترتیب، هدف اصلی مطالعه حاضر، تبیین برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی مبتنی بر الگوی مطلوب برنامه درسی هنر است.

پرسش‌های پژوهش

۱. الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی چه مختصاتی دارد؟
۲. آیا الگوی مطلوب از نظر متخصصان، دارای اعتبار کافی است؟
۳. برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی مبتنی بر الگوی مطلوب دارای چه مؤلفه‌هایی است؟

که آن را به برنامه درسی مغفول تبدیل کرده است. به این معنا که تربیت هنری به طور کلی از موضوع‌های مورد غفلت سیاست‌گذاران آموزش ابتدایی بوده است و دوم، وجود برنامه درسی مغفول پنهان در تربیت هنری، به این معنا که تربیت هنری در نظام آموزشی ایران نسبت به شرایط متحول اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، علمی جامعه - اعم از جامعه محلی، ملی و بین‌المللی پاسخگو نیست؛ این مطالعه پیشنهاد می‌کند در برنامه درسی منطبق با زمان و به‌روزشده هنر، باید به ابعاد چندفرهنگی توجه شود؛ همچنین چهار بعد آموزش هنر، یعنی «تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیباشناسی هنر» باید در تدوین برنامه درسی هنر لحاظ شوند. به علاوه الگوی برنامه درسی هنر باید مبتنی بر فرصت‌های طبیعی همراه با یاددهی - یادگیری در سایر موضوع‌های درسی باشد [۱۵].

در مطالعه‌ای با عنوان «آیا جایگاهی برای هنر باقی مانده است؟ مطالعه هنر در مدارس ابتدایی» به بررسی نظریات ۱۰ درصد از معلمان دوره ابتدایی نسبت به درس هنر در انگلستان پرداخته شده است؛ یافته‌های این مطالعه، سه نکته را نشان می‌دهند: اول اینکه توجه ملی به موضوع‌های درسی اصلی، موجب شده موضوع‌های خارج از برنامه درسی هسته‌ای نادیده گرفته شوند؛ دوم اینکه زمان بندی سخت و قاطع برای دروسی مانند خواندن و ریاضیات، زمانی کمتر را برای آموزش هنر باقی می‌گذارند و سوم اینکه فشار وجود جدول‌های عملکردی برای مدرسه، موجب وجود جدول‌های عملکردی برای مدرسه، موجب تحمیل فشار بر درس هنر می‌شود. معلمان شرکت‌کننده در مطالعه، خواهان آموزش مطلوب هنر برای کودکان بودند و نیاز به پشتیبانی در تداوم آن را درخواست کردند [۱۶].

به‌رغم پیشرفت و توسعه برنامه‌های درسی هنر در سراسر دنیا و توجه به جایگاه آن و قرار یافتن هنر از حاشیه به متن برنامه‌های درسی، برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران به هماهنگی و توجه به پیشرفت‌ها و دیدگاه‌های امروز نیاز دارد تا بتواند به پیامدهای شایسته تربیت هنری دست یابد. هنوز در مدارس ما، هنر به

روش پژوهش

روش انجام پژوهش، روش ترکیبی (کمی و کیفی) است. با توجه به اینکه شناسایی برنامه درسی مغفول از طریق مقایسه با مطلوب حاصل می‌شود [۱۷]، از این روش ابتدا الگوی مطلوب برنامه درسی هنر به شیوه کمی و از طریق بررسی و مطالعه اسناد و تحلیل آنها طراحی شده است. براساس مطالعه اسناد، مدارک و مبانی نظری برنامه درسی تربیت هنری، «رویکردهای مناسب آموزش هنر» از طریق تجارب بین‌المللی و اسناد معتبر ملی به شیوه نمونه‌گیری در دسترس به دست آمد و متناسب با آنها (رویکردها)، الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران طراحی شد. در بخش دوم این بررسی، برای اعتباربخشی الگوی مطلوب از روش کیفی و بهره‌گیری از شیوه «نمونه‌گیری هدفمند»^۱ استفاده شده است چراکه برای نمونه‌گیری افراد در پژوهش‌های کیفی، به جای نمونه‌گیری احتمالی، راهبردهای نمونه‌گیری قصدی یا نمونه‌گیری هدفمند به کار گرفته می‌شوند [۱۸].

بدین ترتیب، پژوهشگر به منظور تعیین اعتبار الگوی مطلوب، سعی دارد نمونه‌هایی را که در زمینه مطالعات برنامه درسی، متخصص باشند و همچنین کارشناسانی که در زمینه برنامه درسی هنر و تربیت هنری فعالیت‌های علمی و پژوهشی انجام داده‌اند، انتخاب کند، از این روش تلاش شده است تا افرادی انتخاب شوند که نظر آنها براساس دانش و توانمندی‌های حرفه‌ای مرتبط با پژوهش حاضر، بتواند به تعیین اعتبار یافته‌های این مطالعه کمک کند؛ بنابراین، انتخاب نمونه به نوعی هدفمند محسوب می‌شود. تعداد ۱۵ نفر از متخصصان برنامه درسی و آموزش هنر به عنوان نمونه پژوهش برگزیده شدند و از طریق ابزار مصاحبه ساختارمند، الگوی پیشنهادی را اعتباربخشی کردند. در بخش پایانی مطالعه حاضر، براساس رویکرد تحلیلی - مقایسه‌ای، میان الگوی مطلوب و برنامه درسی فعلی هنر دوره ابتدایی مقایسه تحلیلی صورت گرفته است تا از این مقایسه،

1. Purposeful Random Sampling

مؤلفه‌های برنامه درسی مغفول، هویدا و تبیین شوند.

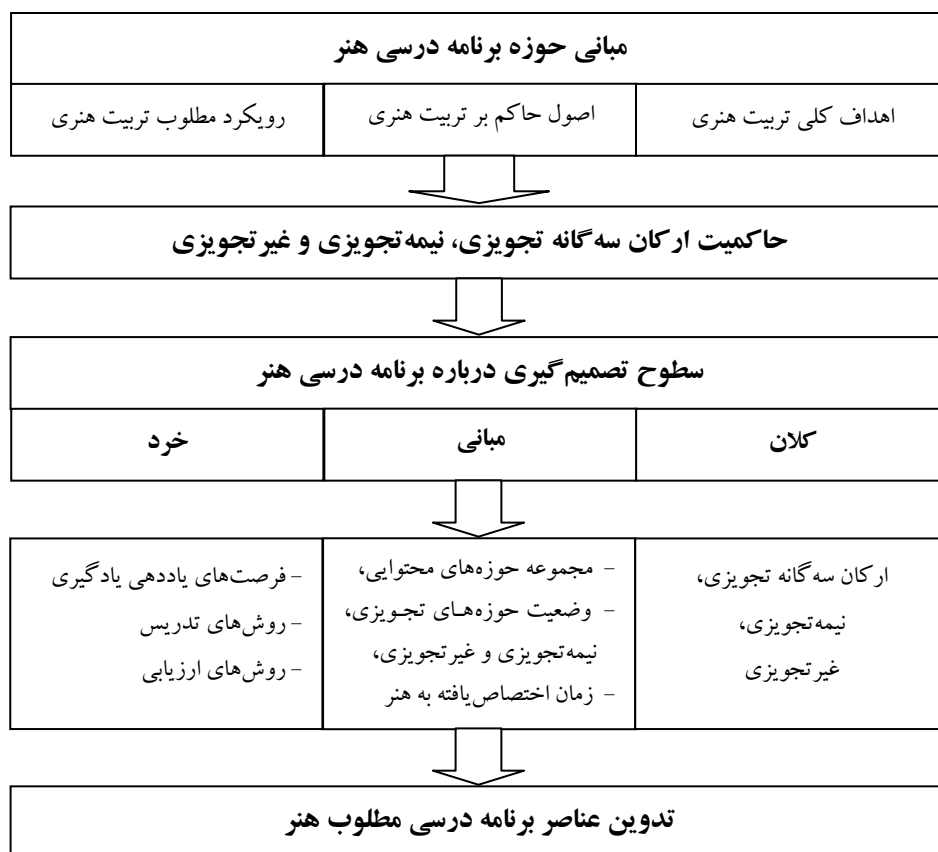
یافته‌ها

• پرسش اول: الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران چه مختصاتی دارد و ویژگی‌ها و رویکرد مناسب برای الگوی مطلوب چیست؟؛ به منظور پاسخگویی به پرسش اول پژوهش، لازم است تا به شرحی دقیق از الگوی مطلوب پردازیم؛^۲ الگوی مطلوب برنامه درسی هنر، شامل مبانی نظری، اصول، رویکرد، اهداف کلی تربیت هنری است؛ همچنین، سطوح تصمیم‌گیری برنامه درسی هنر در سه سطح از این قرارند: «سطح کلان، شامل ارکان برنامه درسی هنر؛ سطح میانی، شامل حوزه‌های محتوایی هنر، زمان اختصاص یافته به هنر، وضعیت ابعاد سه‌گانه تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی و سطح خرد نیز شامل فرصت‌های یاددهی - یادگیری، روش‌های تدریس و ارزشیابی» که تصویر کلی الگوی مطلوب در شکل ۱ آمده است.

الف) اصول حاکم بر تربیت هنری

مطابق با رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران [۱۹]، طول دوره نخست تربیت شش سال و سن ورود به این دوره، ۵ سال تمام یعنی آغاز ۶ سالگی در نظر گرفته شده است؛ بر همین اساس، اصول حاکم بر تربیت هنری عبارت‌اند از:
اصل اول: توجه به پرورش حواس؛
اصل دوم: فراهم کردن امکان پرورش تخیل و قوه خیال؛
اصل سوم: فراهم‌سازی امکان کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متریبان؛
اصل چهارم: تدارک زمینه برای کسب همه

۲. شرح کامل یافته‌های مربوط به پرسش اول این مطالعه در مقاله‌ای با عنوان «طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران»، در فصلنامه *مطالعات برنامه درسی*، سال ششم، ش ۲۱ تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۲۳ تا ۱۶۳ چاپ شده است؛ اما به دلیل اینکه شناسایی برنامه درسی مغفول هنر از مجرای مقایسه با الگوی مطلوب حاصل می‌شود، در این مقاله به ارائه اجمالی الگوی مطلوب و نتایج اعتباربخشی آن بسنده شده است.



شکل ۱. چارچوب کلی الگوی مطلوب برنامه درسی هنر دوره ابتدایی

اصل سیزدهم: کمک به شناخت ابعاد شخصی، متفاوت و حتی منحصر به فرد یادگیرندگان و آثار هنری شان؛ اصل چهاردهم: امکان کسب تجارب مختلف زیبایی شناختی در زندگی روزمره توسط یادگیرندگان.

ب) رویکرد حاکم بر تربیت هنری

از میان رویکردهای مختلف تربیت هنری، رویکرد مناسب در الگوی مطلوب، «رویکرد تربیت هنری دیسیپلین محور»^۱ در نظر گرفته شده است. رویکرد دیسیپلین محور در آموزش هنر بر این فرض، استوار است که هنر دارای شأن و منزلت دیسیپلینی است لذا باید به عنوان یک ماده یا موضوع درسی مستقل در برنامه درسی گنجانده شود؛ محتوای این رویکرد، شامل تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی شناسی است [۲۰]؛ این رویکرد، دارای ویژگی هایی مهم است که در راهنمای برنامه درسی هنر فعلی دوره ابتدایی نیز از آن

شایستگی های مرتبط با تربیت هنری توسط متریبان؛ اصل پنجم: تلقی تربیت هنری به مثابه تربیت عمومی و همگانی؛ اصل ششم: فراهم کردن زمینه و شرایط آفرینشگری و خلاقیت؛ اصل هفتم: منعطف بودن و ایجاد زمینه گرایش و تخصص هنری در متریبان؛ اصل هشتم: ایجاد زمینه تقویت هویت های مشترک در سطح جهانی و ملی؛ اصل نهم: پرورش هویت های اختصاصی متریبان در سطوح محلی، منطقه ای و مدرسه ای؛ اصل دهم: توجه به تربیت هنری به منزله فراب برنامه درسی و روح حاکم بر کل برنامه های درسی؛ اصل یازدهم: تسهیل رشد هوش هنری؛ اصل دوازدهم: یاری کردن یادگیرندگان برای تولید هنری، واکنش هنری و شناخت نقش هنر در فرهنگ؛

1. Discipline Based of Art Education (DBAE)

جدول ۱. مختصات رویکرد دیسپلین‌محور

| مؤلفه‌ها | رویکرد دیسپلین‌محوری |
|-------------------|---|
| اهداف کلی | پرورش قوه فهم هنر، هنر به‌عنوان حوزه‌ای اساسی در یک نظام جامع آموزش و پرورش |
| محتوی | زیباشناسی، نقد هنری، تاریخ هنر و تولید هنر |
| برنامه درسی | دارای سند مکتوب برنامه به همراه نظم و توالی منطقی |
| تلقی از یادگیرنده | یادگیرندگان، طالب یادگیری هنر بوده، برای پرورش قوه درک و فهم هنر به آموزش نیاز دارند. |
| اجرا | مستلزم مشارکت در سطح منطقه آموزشی به منظور اجرای برنامه با شفافیت و توالی پیش‌بینی شده است. |
| آثار هنری | آثار هنری بزرگسالان، مبنای تلفیق یادگیری مربوط به چهار دیسپلین فرعی است. |
| ارزشیابی | تمرکز بر فرایند یادگیری به همراه ضرورت ارزیابی پیشرفت دانش‌آموزان برای تعیین اثربخشی برنامه |

۱. رکن الزامی (تجویزی)^۲ برنامه درسی هنر: بخشی از برنامه درسی است که برای پرورش «هویت مشترک» دانش‌آموزان کاربرد دارد؛ این بعد به‌صورت «تک‌وضعیتی» تعریف می‌شود؛ به گونه‌ای که ناظر به قابلیت‌ها یا شایستگی‌های پایه است و آماده‌سازی برای حرفه به‌صورت عام (در قالب شایستگی‌های اساسی و به‌طور عمده شناختی و نگرشی و نه مهارتی) در این بخش اتفاق می‌افتد.

۲. رکن انتخابی (نیمه تجویزی)^۳ برنامه درسی هنر: بخشی از برنامه درسی است که علاوه بر کمک به پرورش «هویت مشترک» دانش‌آموزان، پرورش «هویت اختصاصی» آنان را نیز در کانون توجه قرار می‌دهد و به‌صورت چندوضعیتی (یعنی متناسب با وضعیت‌هایی گوناگون که دانش‌آموزان از نظر شغلی و تحصیلی برای آینده خود متصورند)، تعریف و طراحی می‌شود تا امکان انتخاب از میان اشکال و انواع وجود داشته باشد؛ در این بعد، تأکید اصلی بر آن است که در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، علاوه بر فعالیت‌ها و برنامه‌های الزامی، به فعالیت‌های انتخابی نیز اهمیت داده شود و در برنامه درسی هنر، فرصت‌هایی برای انتخاب آزادانه دانش‌آموزان تنظیم شود.

۳. رکن اختیاری (غیر تجویزی)^۴ برنامه درسی هنر: برخی از حوزه‌ها یا فعالیت‌های یادگیری در برنامه درسی هنر را دربرمی‌گیرد که به‌طور کامل، تحت تأثیر

به‌عنوان رویکرد مطلوب یاد شده است؛ ویژگی‌های این رویکرد از نظر کانلیف^۱ به اختصار در جدول ۱ آمده‌اند [۸].

ج) اهداف کلی تربیت هنری دوره ابتدایی

با توجه به «اصول» حاکم بر تربیت هنری و همچنین براساس رویکرد «تربیت هنری دیسپلین‌محور» در دوره ابتدایی، می‌توان اهداف برنامه درسی این دوره را تعیین کرد؛ از این منظر می‌توان گفت که در دوره ابتدایی، در مرحله تعیین اهداف کلی و جهت‌گیری‌های اساسی، باید به زمینه‌های فرهنگی و هنری توجه شود تا براساس آنها بتوان سازوکارهای مناسب برای محقق‌ساختن این اهداف کلی را فراهم کرد؛ بنابراین اهداف کلی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی عبارت‌اند از [۶ و ۸]:

- ◀ پرورش حس زیبایی‌شناسانه؛
- ◀ پرورش حس جستجوگری و خلاقیت؛
- ◀ آشنایی با تاریخ هنر ایران، جهان و قدردانی از میراث فرهنگی خود؛
- ◀ ارزش‌نهادن به بیان هنری در سرتاسر زندگی؛
- ◀ توانمندساختن دانش‌آموزان برای نشان‌دادن خود از طریق گونه‌های هنری متنوع؛
- ◀ توانمندساختن دانش‌آموزان برای قضاوت ارزشی آثار و دستاوردهای مختلف هنری خویش و دیگران.

د) ارکان سه‌گانه برنامه درسی هنر

ساختار برنامه درسی، دارای سه رکن به‌صورت زیر

است [۱۹]:

2. core
 3. core/elective
 4. elective

1. Cunliffe

موقعیت‌های خاص زمانی، مکانی و انسانی قرار داشته، به‌طور ویژه برای پرورش «هویت‌های اختصاصی» کاربرد دارد؛ این بُعد، دارای دامنه تنوع حداکثری یا وضعیت‌های نامحدود است. توجه به طیف علایق و استعدادها و نیازهای دانش‌آموزان در طراحی برنامه‌ها و فعالیت‌ها که بر اصول تنوع و کثرت و آزادی مندرج در فلسفه تربیت رسمی و عمومی کشور مبتنی است [۱۹]، در این بعد می‌گنجد.

م) مجموعه حوزه‌های یادگیری برنامه درسی هنر دوره ابتدایی

در سطح میانی برنامه درسی، حوزه‌های یادگیری برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، شامل شش حوزه «نقاشی، خوشنویسی، هنرهای حجمی، نمایش، موسیقی و حرکات موزون» است؛ بنابراین تدوین چارچوبی از پیوند اهداف و محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، می‌تواند قلمرو این برنامه را مشخص کرده، برنامه‌ریزان درسی را راهنمایی کند. در خانه‌های تلاقی، هر بعد از رویکرد دیسپلین‌محور با حوزه‌های هنری شش‌گانه، یک خانه هدف - محتوا را تشکیل می‌دهد و در هر خانه هدف - محتوا را تشکیل می‌دهد و در هر خانه هدف - محتوا، سه سطح «استاندارد پایه، میانی و پیشرفته» تعریف شده است که دانش‌آموزان می‌توانند در سه سطح استاندارد در یکی از حوزه‌های هدف - محتوا در زمینه هنری مورد نظر خود فعالیت کنند، آموزش ببینند و به سطحی حرفه نیز دست یابند (جدول ۲).

جدول ۲. ماتریس هدف - محتوا الگوی مطلوب

برنامه درسی هنر

| ابعاد چهارگانه حوزه‌های هنری | تولید هنری | نقد هنری | تاریخ هنر | زیبایی شناسی |
|---------------------------------|---------------|-------------|--------------|-----------------|
| نقاشی و طراحی | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| هنرهای حجمی | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ |
| خوشنویسی | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ |
| نمایش | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ |
| موسیقی | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ |
| حرکات موزون | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ |

ی) زمان اختصاص یافته به برنامه درسی هنر در

دوره ابتدایی

با توجه به اهداف مدنظر برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران و براساس رویکرد مطلوب تربیت هنری که

با توجه به ماتریس هدف - محتوا بایدگفت که استاندارد سطح پایه در خانه‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ به صورت اجباری ارائه می‌شود؛ بنابراین در مجموع، حوزه‌های هنری اجباری در دوره ابتدایی، شامل دوازده حوزه الزامی هستند. از نظر حوزه‌های نیمه تجویزی برنامه درسی هنر، فقط شامل انتخاب حوزه‌های هدف محتوایی می‌شود که پیش‌تر به صورت تجویزی و در سطح استاندارد یادگیری پایه (۱) در دستور کار بوده است و دانش‌آموز در

مجموعه حوزه‌های یادگیری برنامه درسی هنر دوره ابتدایی

در سطح میانی برنامه درسی، حوزه‌های یادگیری برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، شامل شش حوزه «نقاشی، خوشنویسی، هنرهای حجمی، نمایش، موسیقی و حرکات موزون» است؛ بنابراین تدوین چارچوبی از پیوند اهداف و محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، می‌تواند قلمرو این برنامه را مشخص کرده، برنامه‌ریزان درسی را راهنمایی کند. در خانه‌های تلاقی، هر بعد از رویکرد دیسپلین‌محور با حوزه‌های هنری شش‌گانه، یک خانه هدف - محتوا را تشکیل می‌دهد و در هر خانه هدف - محتوا را تشکیل می‌دهد و در هر خانه هدف - محتوا، سه سطح «استاندارد پایه، میانی و پیشرفته» تعریف شده است که دانش‌آموزان می‌توانند در سه سطح استاندارد در یکی از حوزه‌های هدف - محتوا در زمینه هنری مورد نظر خود فعالیت کنند، آموزش ببینند و به سطحی حرفه نیز دست یابند (جدول ۲).

۲. وضعیت حوزه‌های تجویزی، نیمه تجویزی و غیرتجویزی برنامه درسی هنر

با توجه به ماتریس هدف - محتوا بایدگفت که استاندارد سطح پایه در خانه‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ به صورت اجباری ارائه می‌شود؛ بنابراین در مجموع، حوزه‌های هنری اجباری در دوره ابتدایی، شامل دوازده حوزه الزامی هستند. از نظر حوزه‌های نیمه تجویزی برنامه درسی هنر، فقط شامل انتخاب حوزه‌های هدف محتوایی می‌شود که پیش‌تر به صورت تجویزی و در سطح استاندارد یادگیری پایه (۱) در دستور کار بوده است و دانش‌آموز در

حوزه‌های تجویزی در این مرحله، دوازده حوزه هدف- محتوا و هر حوزه، دارای استاندارد سطح پایه است که دانش‌آموزان باید این استاندارد سطح پایه را بگذرانند. ساعت آموزشی لازم در هر سطح استاندارد پایه برای یک حوزه تجویزی براساس نظر کارشناسان آموزش هنر به‌طور تقریبی ۳۰ ساعت است. برای دستیابی به مجموع ساعات آموزش برای حوزه تجویزی در کل دوره ابتدایی، می‌توان از فرمول زیر (شکل ۲) استمداد گرفت:

رویکرد DBAE است و خود، دارای چهار قالب تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی است، باید زمان اختصاص یافته به برنامه درسی هنر را به‌دقت تعیین کرد. برای تعیین زمان اختصاص یافته به درس هنر بر مبنای دو رویکرد پیش‌می‌رویم: اول بر مبنای شواهد تجربی سایر کشورهای دنیا و دوم بر مبنای استدلالی منطقی؛ بنابراین براساس میزان تقریبی ۵۰ درصدی از دستیابی به حوزه‌های تجویزی هدف- محتوا، تعداد

$$\begin{aligned} \text{کل ساعت آموزشی حوزه تجویزی} &= \text{ساعت آموزشی لازم برای سطح استاندارد پایه} \times \text{تعداد حوزه تجویزی} \\ \text{کل ساعت آموزشی حوزه تجویزی} &= 12 \times 30 = 360 \\ \text{کل ساعت آموزشی حوزه نیمه‌تجویزی} &= 180 \\ \text{کل ساعت آموزشی حوزه غیرتجویزی} &= 90 \end{aligned}$$

۶۳۰ ساعت طول برنامه درسی هنر در کل دوره ابتدایی

زمان لازم برای یک سال تحصیلی = کل پایه‌های دوره ابتدایی به تفکیک دو مرحله ÷ کل ساعت لازم درس هنر دوره ابتدایی

۴ ساعت در هفته = ۳۰ (هفته) ÷ ۱۲۰ (ساعت) = ۳ ÷ ۳۶۰ دوره اول ابتدایی (حوزه تجویزی: ۳۶۰ ساعت)

۳ ساعت در هفته = ۳۰ (هفته) ÷ ۹۰ (ساعت) = ۳ ÷ ۲۷۰ دوره دوم ابتدایی (مجموع حوزه نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی: ۲۷۰ ساعت)

شکل ۲: تعیین زمان اختصاص یافته به درس هنر در دوره ابتدایی

انتخاب فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری است که در این عنصر به سه جنبه اصلی توجه شده است:

۱. فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری تجویزی: بدین معنا که همه دانش‌آموزان با مجموعه فعالیت‌های یادگیری واحد سروکار دارند؛ بنابراین براساس حوزه‌های مختلف هنری، فرصت‌ها و فعالیت‌هایی یکسان برای همه دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

۲. فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری نیمه‌تجویزی: در این جنبه، دانش‌آموزان از میان فعالیت‌های یادگیری متنوعی که معلم پیش‌بینی می‌کند، به انتخاب دست‌می‌زنند و از میان فرصت‌های مختلف با توجه به حوزه‌های هنری گوناگون که معلم برای آنها تدارک دیده است، یکی را برمی‌گزینند.

براساس مطالعات آژانس مدیریت آموزشی، دیداری- شنیداری و فرهنگی^۱ در سال ۲۰۰۷ [۲۱]، در بیشتر کشورهای پیشرو به‌ویژه آلمان و اتریش، متوسط ساعت اختصاص یافته به هنر، میان ۳ تا ۴ ساعت است؛ بنابراین، ساعت اختصاص یافته به درس هنر در دوره ابتدایی ایران بر مبنای منطقی بالا و میانگین تجارب سایر کشورها، برای مرحله اول دوره ابتدایی ایران، ۴ ساعت در هفته و برای مرحله دوم دوره ابتدایی، ۳ ساعت در هفته تعیین شده است.

و) فرصت‌های یاددهی- یادگیری

یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی در سطح خرد،

1. The Education, Audiovisual and Culture Executive Agency (EACEA)

هنرهای نمایشی به عنوان محتوای برنامه درسی دوره ابتدایی یاد کردیم، به نوعی به شیوه‌ها و فنونی که معلمان برای آموزش این محتوا باید مورد توجه قرار دهند نیز اشاره شد [۸].

۲. روش‌های تدریس نقد هنری: ویژگی‌های روش‌های نوین در نقادی هنری را می‌توان به شرح جدول ۳ بیان کرد تا به شناسایی و کاربرد بهتر روش‌های آموزش کمک کند [۲۲].

۳. روش‌های تدریس تاریخ هنر: به منظور تدریس مناسب تاریخ هنر توسط معلمان در دوره ابتدایی، روش‌ها و فعالیت‌های یادگیری از جمله سازماندهی تصاویر ذهنی، تبیین اهداف هنری، منابع مطالعاتی، فعالیت‌های کارگاهی استفاده می‌شوند.

۴. روش‌های تدریس زیبایی‌شناسی: یکی از شیوه‌های آموزش زیبایی‌شناسی به ویژه در دوره ابتدایی، کنکاش و مباحثه ساختاری^۱ است. معلمان می‌توانند با استفاده از این شیوه، زیبایی‌شناسی را در دانش‌آموزان تقویت کنند؛ این رویکرد، شکلی از گفتگوی ساختاربندی شده است. به منظور اجرای مطلوب این رویکرد، دستورالعمل‌های زیر قابل توجه‌اند [۲۲]:

۱. طرح درس بر محور چند پرسش اساسی مبتنی بر موضوع تدریس تنظیم شود.
۲. از ارائه پرسش‌های بله-خیر اجتناب شود.
۳. تعاریف حفظ کردنی از متن یا لغت‌نامه‌ها موجب مبهم شدن درک مطلب و در نتیجه فراموشی زود هنگام می‌شود. از این نوع تعاریف باید اجتناب شود.

ل) ارزشیابی برنامه درسی هنر

تدارک شیوه‌های سنجش و ارزشیابی متناسب با ماهیت هنر، نه تنها حائز اهمیت است، بلکه باید به عنوان یک اقدام خطیر و تغییرکننده، در دستور کار صاحب نظران و دست‌اندرکاران حرفه‌ای قرار بگیرد [۸]؛ از این رو در الگوی مطلوب برنامه درسی هنر، ارزشیابی به تفکیک ابعاد چهارگانه رویکرد دیسیپلین محور ارائه شده است:

۳. فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری غیرتجویزی: این جنبه بر فعالیت‌های یادگیری که خود دانش‌آموز، آزادانه انتخاب می‌کنند، تأکید دارد؛ بدین معنا که دانش‌آموزان از میان حوزه‌های گسترده فعالیت‌های هنری که در اختیار دارند، می‌توانند آنچه را به آن تمایل دارند، انتخاب کنند.

با توجه به تأکید فرصت‌های یاددهی-یادگیری بر ارکان سه‌گانه، می‌توان گفت که فرصت‌های یاددهی-یادگیری باید بر میراث فرهنگی بشری تأکید کنند و موقعیت‌هایی را فراهم کنند تا موجب بروز مهارت‌های ابزاری در قالب فعالیت‌های هنری از سوی دانش‌آموزان شوند؛ از طرف دیگر، به دانش‌آموزان در رشد و شکل‌گیری نگرش انتقادی نسبت به آفرینش هنری یاری‌رسانند و حتی مجموعه‌ای از تجارب متنوع را به منظور رشد مهارت‌های ادراکی برای دانش‌آموزان فراهم کنند؛ بدین ترتیب، چهار مؤلفه «تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی» را پوشش می‌دهند.

ک) روش‌های تدریس

در سطح خرد، بر اساس هریک از مؤلفه‌های چهارگانه تربیت هنری دیسیپلین‌محور، روش‌ها و راهبردهای تدریس ارائه می‌شوند که در چهار بُعد «تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی» به‌طور مستقل به روش‌های مناسب برای تدریس هریک توجه شده است:

۱. روش‌های تدریس تولید هنری: با توجه به اینکه تولید هنری از طریق فعالیت‌های مختلف هنری و کارگاهی در حوزه هنرهای تجسمی به وضوح پدید می‌آید، بنابراین، شیوه‌های تدریس نیز متناسب با هنرهای تجسمی مورد توجه قرار می‌گیرند. در تمامی فعالیت‌های مربوط به برنامه درسی هنر به‌طور عام و در حوزه هنرهای تجسمی به‌طور خاص، دانش‌آموزان باید از فرصت‌هایی متعدد و متنوع برای عمل کردن، ساختن و آفریدن، مشاهده کردن و لذت بردن، بهره‌مند شوند در نتیجه، در بخش محتوا که از هنرهای تجسمی و

جدول ۳. روش‌های نوین آموزش نقادانه هنری

| ردیف | روش‌های نوین آموزش نقادانه هنری |
|------|--|
| ۱ | اعمال قضاوت‌های متفاوت نسبت به آثار هنری |
| ۲ | کاربرد مهارت‌های زبانی و پژوهش ادراکی مبتنی بر فعالیت‌های عملی |
| ۳ | به‌کارگیری ابزارهای آموزشی گسترده، آثار اصیل هنری، بازدید از موزه‌ها، گالری‌ها و دیدار با هنرمندان |
| ۴ | استفاده از اشکال مختلف هنرهای تجسمی، هنرهای کاربردی و صنایع دستی |
| ۵ | توجه به ویژگی‌های ظاهری آثار هنری و بحث درباره زیبایی ظاهری و ویژگی‌های حسی |
| ۶ | تأکید بر بازگویی داستان و زندگی هنرمندان |

۴. ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان در زیبایی‌شناسی: مفاهیم اساسی هنر، زیبایی، کیفیت در هنر، تجارب زیبایی‌شناسی و قضاوت درباره هنر، همگی به زیبایی‌شناسی مربوط‌اند؛ رویکردها و شیوه‌های آموزشی برای تدریس درباره پرسش‌های زیبایی‌شناسی نیز در حوزه‌های مختلف به سن کودکان، محصول‌های هنری خلاقانه، تاریخ هنر و نقد هنری مربوط بوده، با آنها مطابقت دارند.

• پرسش دوم پژوهش: به‌منظور تعیین اعتبار الگوی مطلوب برنامه درسی هنر در نظام آموزشی ایران، از نظریات ۱۵ نفر از متخصصان مطالعات برنامه درسی و آموزش هنر استفاده شده که این افراد، حوزه‌های پیشنهادی در الگوی مطلوب را کافی دانسته‌اند و بیان کرده‌اند که به‌طور تقریبی، تمام حوزه‌های مرتبط با برنامه درسی هنر، شامل حوزه‌های مبانی روان‌شناختی، مبانی و رویکردهای تربیت هنری و حوزه مطالعات برنامه درسی در الگوی مطلوب، مورد توجه قرار گرفته‌اند و عناصر برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در الگوی پیشنهادی در حدی بسیار بالا دارای اعتبار لازم است.

• پرسش سوم پژوهش: از آنجا که شناسایی برنامه درسی مغفول تلاش دارد تا توجه دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی را به تأمل درباره آنچه از دستور کار برنامه درسی آشکار حذف شده‌است، جلب کند، از این طریق می‌توان اذعان داشت که پویایی برنامه درسی حفظ می‌شود و از طرف دیگر، به مدد شناسایی برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی،

۱. ارزشیابی حوزه تولید هنری: شکل کلی ارزشیابی هنرهای تجسمی، مستلزم مشاهده و گرفتن بازخورد از معلم در طی مراحل مقدماتی تولید هنری است. این امر، مستلزم فراهم کردن راهنمایی و جمع‌آوری اطلاعات، هنگامی است که دانش‌آموزان با ابزارهای مختلف کار می‌کنند [۲۳].

۲. ارزشیابی یادگیری در حوزه نقد هنری: دانش‌آموزان در حوزه نقد هنری، رویکردهای مرحله‌ای چهارگانه‌ای را شامل توصیف، تحلیل، تفسیر و قضاوت می‌آموزند؛ در حوزه تولید هنری نیز برخی از بخش‌های نقد هنری قابل مشاهده‌اند؛ به‌رحال در زمینه ارزشیابی، معلمان می‌توانند پیشرفت دانش‌آموزان را در تحلیل کارهای هنری و درک آنها از آنچه انجام شده و چرایی آن را ارزیابی کنند.

۳. ارزشیابی یادگیری در حوزه تاریخ هنر: ارزشیابی یادگیری تاریخ هنر به این نیازمند است که به‌طور دقیق با اهداف آموزشی مورد نظر، مرتبط باشد همان‌گونه که در سایر حوزه‌های برنامه درسی هنر مدنظر است. یادگیری در این حوزه، شامل دامنه‌ای گسترده از موضوع‌هاست. گاهی مطالعه تاریخ جهان از طریق مطالعه تاریخ هنر رخ می‌دهد؛ شیوه ارائه در رشته تاریخ هنر نیز بی‌نهایت اهمیت دارد. تدریس در حوزه تاریخ هنر می‌تواند بیشتر به شیوه دیداری باشد تا گفتاری به‌گونه‌ای که از طریق نمایش‌های دیداری کارهای هنرمندان، سبک‌های هنری و هنر دوره‌های تاریخی و فرهنگی انجام شوند [۲۲].

تولید محصول‌های هنری توجه شده است. در مجموع، مؤلفه‌های برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی را براساس مختصات الگوی مطلوب و مقایسه آن با وضعیت موجود می‌توان به شرح جدول ۵ بیان کرد. درنهایت از طریق مقایسه برنامه درسی فعلی هنر دوره ابتدایی [۲۴] با الگوی مطلوب برنامه درسی هنر می‌توان اعلام کرد که ابعاد و سطوح برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی عبارت‌اند از (جدول ۶).

جدول ۴. اصول برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی

| ردیف | اصول مغفول |
|------|---|
| ۱ | تقویت هویت‌های مشترک در سطح جهانی و ملی |
| ۲ | تقویت هویت‌های اختصاصی در سطح بومی و منطقه‌ای |
| ۳ | امکان کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی تربیت هنری برای متریان |
| ۴ | تربیت هنری به‌مثابه تربیت عمومی و همگانی |
| ۵ | انعطاف‌پذیری و ایجاد زمینه گرایش و تخصص هنری در متریان |
| ۶ | تسهیل رشد هوش هنری |
| ۷ | کسب تجارب مختلف زیبایی‌شناختی در زندگی روزمره |
| ۸ | هنر به‌منزله فرا برنامه درسی و روح حاکم بر کل برنامه‌های درسی |
| ۹ | شناخت ابعاد شخصی، متفاوت متریان و آثار هنری خودشان |
| ۱۰ | شناسایی نقش هنر در فرهنگ |

تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی جدید یا تحلیل برنامه درسی کنونی، میسر می‌شود؛ از این رو، در مرحله بعد این پژوهش به‌منظور تبیین برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی ایران، میان الگوی مطلوب و برنامه درسی فعلی هنر (که از سال ۱۳۸۲ به‌صورت اجرای آزمایشی و از سال ۱۳۸۶ به‌صورت اجرای سراسری درآمده است)، مقایسه‌ای صورت‌گرفت و یافته‌های این مقایسه، مؤلفه‌های برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی را شناسایی کرده‌اند. به‌منظور تبیین دقیق‌تر این مؤلفه‌ها، در بخش‌های اصول، ابعاد و سطوح برنامه درسی هنر، مقایسه‌ای میان الگوی مطلوب و برنامه درسی فعلی صورت‌گرفته است که به‌صورت جدول در ادامه ارائه می‌شوند. به‌منظور تعیین اصول برنامه درسی مغفول هنر از طریق مقایسه برنامه درسی فعلی هنر با الگوی مطلوب، مشخص شد که موارد یادشده (جدول ۴) به‌عنوان اصول مغفول مطرح هستند.

با وجود بیاناتی از مؤلفه‌های چهارگانه رویکرد تربیت هنری دیسپلین‌محور در برنامه درسی فعلی هنر، با سندکاوی دقیق راهنمای برنامه درسی هنر، مشخص شد که مؤلفه‌های نقد هنر، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی در کلیات برنامه آمده‌اند اما در عناصر برنامه درسی به‌ویژه فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان و در ارزشیابی آثار این مؤلفه‌ها کم‌رنگ و ناچیزند؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که نسبت توجه به مؤلفه‌های چهارگانه رویکرد دیسپلین‌محور در برنامه درسی فعلی، یکسان نیست و حتی [می‌توان ادعا کرد] به‌طور صرف به بعد

جدول ۵. برنامه درسی مغفول ضمنی هنر دوره ابتدایی

| ردیف | برنامه درسی مغفول ضمنی هنر |
|------|--|
| ۱ | توجه متوازن رویکرد تربیت هنری با چهار مؤلفه تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی |
| ۲ | توجه کافی میان ابعاد چهارگانه تربیت هنری دیسپلین‌محور در اهداف برنامه درسی هنر |
| ۳ | حاکمیت ارکان نیمه‌تجویزی (انتخابی) و غیرتجویزی (اختیاری) در برنامه درسی هنر |
| ۴ | هماهنگی و تناسب حوزه هنری موسیقی با تربیت شنوایی و تأکید آن بر طبیعت محض |
| ۵ | ایجاد فرصت توجه به حوزه‌های انتخابی و اختیاری محتوایی توسط دانش‌آموزان |
| ۶ | زمان متناسب با حوزه‌های محتوایی در نظر گرفته شده |

ادامه جدول ۵. برنامه درسی مغفول ضمنی هنر دوره ابتدایی

| ردیف | برنامه درسی مغفول ضمنی هنر |
|------|---|
| ۷ | توجه به حوزه هنری خوشنویسی |
| ۸ | توجه به حوزه هنری حرکات موزون |
| ۹ | توجه به حوزه هنری موسیقی به‌عنوان عنصری مؤثر بر فعالیت‌های یاددهی - یادگیری دانش‌آموزان |
| ۱۰ | استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه برنامه درسی هنر |
| ۱۱ | توجه به فرهنگ‌های بومی و قومیتی |
| ۱۲ | ارتباط برنامه درسی هنر با واقعیت‌های به‌روز و جدید بین‌المللی و ملی |
| ۱۳ | استفاده از منابع آموزشی «کتاب باز» |
| ۱۴ | تخصیص فرصت‌های یاددهی - یادگیری انتخابی و اختیاری |
| ۱۵ | استفاده از شیوه‌های ارزشیابی متناسب با مؤلفه‌های نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی |

جدول ۶. ماتریس ابعاد و سطوح برنامه درس مغفول هنر دوره ابتدایی

| ابعاد / سطوح | تجویزی | نیمه‌تجویزی | غیرتجویزی |
|--------------|--|--|--|
| میانی | - پرورش هویت‌های جهانی (در کنار هویت ملی) - در نظر گرفتن سطوح استاندارد میان حوزه‌های هدف - محتوای هنری - زمان کافی اختصاص یافته به هنر - توجه کافی به نقد هنر، تاریخ هنر، زیبایی‌شناسی در حوزه‌های هدف - محتوا - تسلسل و یکپارچگی درس هنر دوره ابتدایی یا دوره‌های راهنمایی و متوسطه حوزه‌های محتوایی: • خوشنویسی • موسیقی • حرکات موزون | - پرورش هویت‌های ویژه - حق انتخاب حوزه‌های هدف - محتوایی - توازن میان حوزه‌های هنری و مؤلفه‌های چهارگانه - فرصت‌های انتخاب میان تولید هنر، نقد هنر، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی - فرصت گزینش سه تا شش حوزه هدف - محتوا به شکل انتخابی | - پرورش هویت‌های شخصی و فردی - حق انتخاب حوزه‌های محتوایی اختیاری - اختصاص زمان برای علایق ویژه دانش‌آموزان - فرصت‌های اختیاری میان تولید هنر، نقد هنر، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی - یک تا سه فرصت انتخاب حوزه‌های هدف - محتوای اختیاری - امکان توجه به فرهنگ‌های بومی و قومیتی |
| خرد | - تدوین کتاب شیرازه باز - مرکز یادگیری هنر - تأکید بر استفاده از فناوری‌های جدید - پیش‌بینی فرصت‌های یادگیری انتخابی و اختیاری | حوزه به‌طور کامل، مغفول، مانده‌است. | این حوزه به‌طور کامل، مغفول مانده‌است. |

بحث و نتیجه‌گیری

جایگاه برنامه درسی هنر را از حاشیه به متن مطالعات برنامه درسی تغییر داد. اهمیت این الگو ناشی از آن است که با تکیه بر اصول حاکم بر دوره ابتدایی جمهوری

هدف این مطالعه، تبیین برنامه درسی مغفول هنر مبتنی بر الگوی مطلوب است تا از این طریق بتوان

اشاره کرد و می‌توان ادعا کرد که کتاب آسمانی قرآن، ارائه‌دهنده یکی از جذاب‌ترین نمایش‌های الهی در سوره یوسف است که از آن به‌عنوان احسن‌القصص یاد می‌شود و این امر، یکی از جنبه‌های هنری در این کتاب آسمانی را نمایان می‌کند [۲۵]؛ همچنین، زمان اختصاص یافته به درس هنر در مرحله اول ابتدایی (یعنی پایه‌های اول، دوم و سوم)، ۴ ساعت در هفته و برای مرحله دوم دوره ابتدایی (یعنی پایه‌های چهارم، پنجم و ششم) ۳ ساعت در هفته در نظر گرفته شده است؛ این زمان به پشتوانه مبنای نظری و تجارب سایر کشورهای جهان تعیین شده است.

الگوی مطلوب برنامه درسی هنر از نظر وضعیت ابعاد سه‌گانه تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی در دوره ابتدایی با هدف توجه به این ابعاد در مرحله اول و دوم دوره ابتدایی به این نتیجه دست یافته است که در مرحله اول دوره ابتدایی، ۷۵ درصد برنامه درسی به بعد تجویزی و ۲۵ درصد برنامه درسی به بعد نیمه‌تجویزی اختصاص یافته؛ اما در مرحله دوم دوره ابتدایی، نسبت ۳۳ درصد به هر سه بعد اختصاص یافته است. از آنجاکه در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، از بعد تجویزی به‌مرور در پایه‌های بالاتر کاسته می‌شود و در دوره اول و دوم متوسطه، بعد تجویزی برنامه درسی هنر به‌طور کامل حذف می‌شود، بر بعد نیمه‌تجویزی و در نهایت بر بعد غیرتجویزی برنامه درسی افزوده می‌شود. چرا که در مراحل بالاتر دانش‌آموزان می‌توانند براساس علایق، استعدادها و پشتوانه فرهنگی و قومی خود به انتخاب عاقلانه و آزادانه اقدام کنند. در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، جایگاه فرصت‌های یاددهی - یادگیری نیز با توجه به ویژگی‌های تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی رقم می‌خورد؛ بدین معنا که از نظر تجویزی، همه دانش‌آموزان با مجموعه‌ای از فعالیت‌های یادگیری واحد سروکار دارند؛ بنابراین براساس حوزه‌های مختلف هنری، فرصت‌ها و فعالیت‌هایی یکسان برای همه دانش‌آموزان ارائه می‌شود؛ همچنین از نظر بعد نیمه‌تجویزی، دانش‌آموزان از میان فعالیت‌های یادگیری متنوعی که معلم پیش‌بینی می‌کند، به انتخاب

اسلامی ایران و براساس مبانی نظری حوزه آموزش هنر به استفاده از رویکرد تربیت هنری دیسپلین‌محور مبادرت می‌ورزد؛ این رویکرد، خود دارای چهار حوزه مستقل و درعین حال، مرتبط با هم، شامل «تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی» است؛ ویژگی برجسته دیگر الگوی مطلوب بهره‌مندی آن از ارکان سه‌گانه برنامه درسی در سطح کلان (تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی) است؛ بنابراین برنامه درسی هنر علاوه بر بهره‌مندی از بخش تجویزی یا الزامی (تک‌وضعیتی و تعیین تکلیف‌شده)، بخش‌های نیمه‌تجویزی یا انتخابی (چندوضعیتی) و غیرتجویزی یا اختیاری (بی‌وضعیتی یا باز) را نیز دارد؛ از این رو، الگوی مطلوب برنامه درسی هنر جامعیت داشته، می‌تواند به ابعادی مانند علایق و نیازهای دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی آنها توجه کند؛ این امر به مستلزم وجود دو شرط است: اول، معلمان صلاحیت‌های حرفه‌ای داشته باشند و دوم، فرصت‌های یادگیری مناسب برای دانش‌آموزان فراهم شوند؛ در این راستا فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، می‌توانند همراه با مؤسسات و نهادهای محلی، منطقه‌ای و استانی در خدمت برنامه درسی هنر قرار گیرند تا بر این اساس، برنامه درسی هنر بتواند به اهداف خود دست یابد و هویت منحصر به فرد و اصلی خود را به دست آورد. از نظر حوزه‌های محتوایی در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، در این الگو به حوزه‌های شش‌گانه شامل نقاشی، خوشنویسی، هنرهای حجمی، نمایش، موسیقی و حرکات موزون، توجه شده است. در زمینه انتخاب حوزه‌های هنری موسیقی و حرکات موزون می‌توان به نظر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی^۱ نیز با اخذ شرایطی بر عدم منع داشتن آن

۱. در پاسخ به پرسش زیر از دفتر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (بخش استفتائات)، پاسخ ایشان چنین دریافت شده است: «آموزش حرکات موزون به دانش‌آموزان دوره ابتدایی در مدارس دخترانه و پسرانه به‌عنوان بخشی از درس هنر چه حکمی دارد؟» پاسخ: «در صورتی که همراه با موسیقی حرام نباشد و حرکات منظم و موزون باشد، اشکالی ندارد» (سایت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، بخش استفتائات www.makarem.ir).

مناسبی را برای دانش‌آموزان خود فراهم کنند؛ به عبارت دیگر، حذف حوزه‌های حرکات موزون و ریتمیک و همچنین حوزه خوشنویسی در برنامه درسی فعلی نه به دلیل شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی بلکه به دلیل کم‌اهمیت قلمداد کردن این دو حوزه بوده است. آنچه به عنوان برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی آمده است با نتایج پژوهش‌های مختلف از جمله شرقی (۱۳۸۸ا) [۹] و (۱۳۸۸ب) [۱۰]، طاهری (۱۳۸۵) [۱۲] و مهرمحمدی (۲۰۰۳) [۱۵] همخوانی دارد.

یکی دیگر از بی‌مهری‌های برنامه درسی فعلی هنر، عدم تدوین «کتاب هنر شیرازه باز» برای دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تحصیلی دوره ابتدایی است که این امر، خود می‌تواند ذهنیت دانش‌آموزان را به سمت ارزش قائل شدن کمتر برای درس هنر بکشانند؛ البته کتاب هنر دوره ابتدایی، کتاب بدون شیرازه خواهد بود تا بتواند با حاکمیت ماهیت نیمه تجویزی و غیر تجویزی در برنامه درسی، بر علایق دانش‌آموزان و ویژگی‌های فرهنگی، بومی و محلی آنها تأکید کند؛ همچنین تدارک فضای یادگیری اختصاصی برای هنر به عنوان یک «کارگاه یا مرکز یادگیری» هنر در برنامه درسی فعلی، از جمله مؤلفه‌هایی مغفول است که می‌تواند آثار و پیامدهایی دیگر مانند اختصاص زمان ناکافی به درس هنر توسط معلمان را نیز به همراه داشته باشد.

به عبارت دیگر، گویی آنچه به طور تلویحی و پنهانی و نه آشکارا، در برنامه درسی فعلی مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفته، عبارت است از معلمان آموزش دیده متبحر، منابع مالی و تجهیزات حرفه‌ای، کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه هنر، عنصر خلاقیت در فعالیت‌های عملی هنری دانش‌آموزان، اختصاص زمان کافی متناسب با حوزه‌های محتوایی هنر در پایه‌های تحصیلی مختلف دوره ابتدایی، توجه به حوزه‌های هنری متنوع متناسب با علایق و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان.

با شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی، می‌توان برنامه‌ریزان درسی و

دست‌می‌زنند. اما در بعد غیر تجویزی فرصت‌های یادهی-یادگیری، بر فعالیت‌های یادگیری که خود دانش‌آموز آزادانه انتخاب می‌کند، تأکید می‌شود؛ بنابراین ارکان سه‌گانه تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی نیز همچنان در فرصت‌های یادهی-یادگیری نقش خود را حفظ می‌کنند؛ عنصر ارزشیابی در الگوی مطلوب برنامه درسی هنر نیز بر اساس چهار مقوله تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی که در رویکرد مطلوب دیسیپلین محور مورد توجه قرار گرفته‌اند، انجام می‌شود.

پس از تدوین الگو به منظور تعیین اعتبار آن، نظر ۱۵ نفر از متخصصان برنامه درسی و آموزش هنر از طریق مصاحبه مورد بررسی قرار گرفت و آنها این الگو را در سطح بسیار بالا، دارای اعتبار معرفی کردند. بر اساس یافته‌های پژوهش تلاش شده است تا ابعاد و سطوح برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی بررسی شوند تا از آن میان به آنچه ناهوشیارانه و از روی سنت یا عادت در برنامه درسی حذف می‌شود، توجه شود؛ از این رو، هدف، آن است تا مؤلفه‌های مغفول در برنامه درسی فعلی هنر با دقت نظر، مورد کنکاش قرار گیرند و برنامه‌ریزان و طراحان برنامه درسی هنر را هوشیار سازند.

به این ترتیب، می‌توان اشاره کرد که برنامه درسی مغفول هنر دوره ابتدایی، دارای مؤلفه‌هایی مختلف است که مهم‌ترین آنها بی‌توجهی به پرورش هویت‌های فرهنگی و بومی افراد است؛ این امر نیز از طریق توجه به ارکان نیمه تجویزی و غیر تجویزی در برنامه درسی حاصل می‌شود که از این ارکان نیز در سراسر برنامه درسی فعلی هنر غفلت شده است و آنچه به طور صرف، مورد توجه قرارداد، رکن تجویزی و الزامی برنامه درسی چه در حوزه‌های محتوایی، چه در عرصه فرصت‌های یادهی-یادگیری و چه در کل برنامه درسی هنر فعلی است.

همچنین در برنامه درسی فعلی هنر دوره ابتدایی با توجه به شرایط حاکم در مدارس، امکانات و تجهیزات مناسب با حوزه‌های هنری مختلف در اختیار معلمان نیست تا آنها بتوانند فرصت‌های یادهی-یادگیری

2. Eisner, Elliot (1998). Educational Imagination, On the Design and Evaluation of School Programs. Macmillan College Publishing, N. Y.

۳. مهرمحمدی، محمود و همکاران (۱۳۸۷)؛ برنامه درسی، *نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*؛ تهران: انتشارات سمت.

۴. علیخانی، محمدحسین و محمود مهرمحمدی (۱۳۸۴)؛ «بررسی پیامدهای قصد نشده برنامه درسی پنهان ناشی از جو اجتماعی مدارس دوره متوسطه شهر اصفهان و ارائه راهکارهایی برای کاهش پیامدهای منفی آن»، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)*؛ سال دوازدهم، ش ۱۲.

۵. رضایی، منیره (۱۳۸۷)؛ *بررسی وضع موجود تربیت هنری دانش‌آموزان و ارزیابی براساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش*؛ تهران: وزارت آموزش و پرورش، طرح پژوهشی پژوهشکده تعلیم و تربیت.

6. Eisner, Elliot W (2002); *The Arts and the Creation of Mind*. Yale University Press, New Haven and London.

7. Sharp, Carolin and Metais Le Joanna (2000). *The Arts, Creativity and Cultural Education: An International Perspective, Qualification and Curriculum Authority in England*.

۸. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳)؛ *چیستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر*؛ تهران: انتشارات مدرسه.

۹. شرفی، حسن (۱۳۸۸a)؛ *تحلیل و نقدی بر برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران در گذشته و وضع موجود*؛ پژوهشکده تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش.

۱۰. شرفی، حسن (۱۳۸۸b)؛ «نیازهای آموزشی معلمان و برنامه‌ریزان در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی»، *مجله علمی- ترویجی جلوه هنر*؛ دانشگاه الزهراء، دوره جدید، ش ۱.

دست‌اندرکاران تدوین برنامه‌های درسی را برای توجه عمیق و دقیق نسبت به مواد آموزشی، موضوع‌های درسی یا فرایندهای ذهنی و ... آگاه‌کرد؛ چراکه در سایه گزینش و تصمیم‌گیری‌های آنها، برخی از مؤلفه‌ها از دستور کار نظام آموزشی حذف شده‌اند و بر اثر آن، دانش‌آموزان از آموختن تجربه‌های مختلف و مرتبط با آن حوزه‌ها محروم مانده‌اند. در ورای این توجه عمیق، پویایی برنامه درسی به‌طور عام و برنامه درسی هنر به‌طور خاص حفظ می‌شود و در صورت توجه بایسته، برنامه درسی را از گرفتار آمدن به دام سنت و عادت نجات می‌دهد و مصونیت برنامه درسی را تضمین خواهد کرد. در پی این مطالعه، راهکارهایی در قالب پیشنهاد مبتنی بر یافته‌های یادشده، به منظور تغییر برنامه درسی فعلی هنر دوره ابتدایی مطرح می‌شوند:

- تدارک زمینه به‌کارگیری رویکرد تربیت هنری دیسپلین‌محور در عناصر برنامه درسی؛
- توجه به پرورش هویت‌های مشترک، ملی، منطقه‌ای و بومی در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی؛
- ایجاد زمینه به‌کارگیری ابعاد سه‌گانه تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی در سراسر برنامه درسی هنر؛
- توجه به حوزه‌های محتوایی هنری مختلف در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی؛
- بازنگری در زمان اختصاص یافته به هنر در هفته؛
- به‌کارگیری مواد و منابع یادگیری متنوع؛
- تدارک روش‌های تدریس متنوع و ایجاد فرصت‌های یادگیری مبتنی بر ابعاد سه‌گانه تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی؛
- بهره‌گیری از ترکیب روش‌های متنوع ارزشیابی به تفکیک عناصر نقد هنر، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی.

منابع

۱. رضایی، منیره (۱۳۸۸)؛ *تدوین الگوی نظری تربیت زیبایی‌شناسی و هنری در تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران: وزارت آموزش و پرورش، طرح پژوهشی پژوهشکده تعلیم و تربیت.

مندرج در علیرضا صادقزاده و همکاران، گزارش
تلفیق نتایج مطالعات نظری؛ تهران: وزارت
آموزش و پرورش.

20. Dobbs, Stephen Mark (2004); Discipline-Based Art Education; Edited By Elliot W. Eisner and Michael D. Day; Handbook of Research and Policy in Art Education, National Art Education Association (NAEA) and Lawrence Erlbaum Associates, Publishers (LEA), Mahwah New Jersey and London.

21. The Education, Audiovisual and Culture Executive Agency; (EACEA) (2007); Arts and Cultural Education at School in Europe; European Commission.

22. Hurwitz, Al and Day, Michael (2001), Children and Their Arts, Harcourt Brace Jovanovich the UNESCO Regional Meeting on Arts Education in the European Countries Canada and the United States of America, Finland.

23. Reinhartz, Judy and Beach, Don (1997) Teaching and Learning in Elementary Schools, Focus on Curriculum, Merrill co.

۲۴. نواب صفوی، مینا و فاطمه رادپور (۱۳۸۵): راهنمای
برنامه درسی هنر؛ برای معلمان پایه‌های اول، دوم و
سوم ابتدایی؛ وزارت آموزش و پرورش.

۲۵. افشاری، مرتضی (۱۳۸۹): «جایگاه نمایش به‌عنوان
روش تربیتی در قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی-
پژوهشی پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور
رفتار)؛ دانشگاه شاهد، سال هفدهم، ش ۴۲.

۱۱. صفرنواده، مریم و حسن ملکی (۱۳۸۶): «برنامه
درسی مغفول تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی
ایران»، تبریز: هفتمین همایش سالانه انجمن مطالعات
برنامه درسی ایران.

۱۲. طاهری، حسن (۱۳۸۵): گزارش طرح ارزشیابی از
اجرای آزمایشی برنامه درس هنر پایه دوم ابتدایی؛
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر
برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.

۱۳. همتی، امیر (۱۳۸۴): بررسی جایگاه و نقش درس
هنر در دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان منطقه شش
آموزش و پرورش شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛
تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

14. Alter, Frances; Hays, Terrence, O'Hara Rebecca (2009); The Challenges of implementing Primary Arts Education: What Our Teachers Say, Australasian Journal of Early Childhood, Volume 34, Number 4.

15. Mehrmohamadi, Mahmood. (2003). Arts Education in Iran: Reclaiming the Lost Ground. Humanities Journal, Vol. 10 (3,4): P. 41-51.

16. Downing, Dick (2003); Saving a place for the arts? A survey of the arts in primary schools, Education Journal, Issue 72.

۱۷. موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۸۷): غفلت‌زدایی از برنامه
درسی. گزارش نشست علمی انجمن مطالعات برنامه
درسی ایران؛ تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی
آموزشی.

۱۸. گال، مردیت؛ والتر بورگ و جويس گال (۱۳۸۷):
روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و
روان‌شناسی؛ ترجمه احمدرضا نصر و همکاران؛
تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
دانشگاه‌ها و دانشگاه شهید بهشتی.

۱۹. مهرمحمدی، محمود و همکاران (۱۳۸۸): راهنمای
نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی
ایران، بسته سند ملی نظام تربیت رسمی و عمومی؛